

تاجتاد

پژوهه‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰

بازپژوهی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

در رویکرد فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران^۱

محمد رسول آهنگران^۲، احمد صابری مجد^۳

تاجتاد
پژوهه‌های فقهی

چکیده

رشوه دارای انواع گوناگونی است که به صورت بخشش، هدیه و یا در قالب معامله محاباتی شکل می‌گیرد. قانون‌گذار و همه فقها بر این عقیده‌اند که در همه صورت‌های رشوه، رشوه‌گیر، مالی را که به عنوان رشوه دریافت کرده است، باید به رشوه دهنده برگرداند؛ ولی در صورت تلف آن مال، ضامن دانستن رشوه‌گیر در هر یک از افراد رشوه، مورد مناقشه و اختلاف نظر است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، دیدگاه‌ها و ادله هر یک را بیان و مورد نقد و بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که اکثر فقها در رشوه بخششی بر این باورند که در صورت تلف یا اتلاف مال رشوه،

بازپژوهی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۱۸

ahangaran@ut.ac.ir

ahmadsaberimajd@gmail.com

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۳

۲. استاد دانشگاه تهران، دانشکدگان فارابی. (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، دانشکدگان فارابی.

بر اساس مقبوض بودن به عقد فاسد، رشوه گیر ضامن مثل یا قیمت آن مال است. قانون گذار نیز در ماده ۳۰۳ قانون مدنی این نظر را می پذیرد. اگر رشوه به صورت معامله محاباتی شکل بگیرد و آن معامله صرفاً صوری باشد، حکم به ضمان رشوه گیر می شود، که قانون گذار آن را از مصادیق دارا بودن بدون سبب فرض کرده و رشوه گیر را ضامن دانسته است. اگر معامله مستقلاً قصد شده و در ضمن آن شرط فاسدی شود، این معامله صحیح بوده و در نتیجه ضمانی وجود ندارد و در این مورد نیز قانون گذار نظر فقها را پذیرفته است. در مقابل، اگر معامله صرفاً ایجاد انگیزه در قاضی و کارمند باشد، ملحق به هبه مجانی بوده و در نتیجه با استناد به قاعده «ما لا یضمن»، در رشوه ای که در قالب هبه باشد، ضمانی وجود ندارد؛ که این امر موافق با مفهوم مخالف ماده ۸۰۳ قانون مدنی است.

واژگان کلیدی: ضمان قهری، رشوه در حقوق، هدیه، معاملات محاباتی، مال رشوه.

مقدمه

ضمانی که در رشوه وجود دارد، ضمان قهری است که به موجب آن، مسئولیتی متفرع بر عقد نبوده، بلکه از اسباب ضمان قهری و غیر قراردادی است. رشوه، معاوضه ای است که در صور گوناگونی نمود پیدا می کند. یکی از آنها به صورت بخششی و دیگری به صورت هبه به قضات و کارمندان دولت، و صورت دیگر نیز پرداخت رشوه به صورت معاملات صوری است. معاملات صوری، معاملات محاباتی نامیده می شوند؛ به این بیان که رشوه در پوشش عقدی از عقود ناقله صورت می پذیرد. در این سه صورت، اگر اصل مال رشوه موجود باشد، بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مدنی که تنها تصرفات قانونی و مشروع را محترم دانسته، مال باید به مالک خود بازگردانده شود. همه فقهای امامیه نیز بر این نظر اتفاق دارند که مال موضوع ارتشا، باید به مالک اصلی (رشوه دهنده) بازگردانده شود. ولی در صورت تلف شدن این مال، اینکه آیا رشوه گیر ضامن بدل (مثل یا قیمت) مال رشوه است، مورد نزاع و اختلاف قرار گرفته شده است که هر یک از افراد رشوه در این زمینه نیاز به مطالعه و بررسی دارد. اکنون این سوال اصلی قابل طرح است که حکم ضمان رشوه گیر در تلف مال موضوع رشوه از منظر فقه امامیه چیست؟ از چالش های مهم حقوقی، تلف یا

ماجرای
پژوهش های قضایی

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰

اتلاف مال رشوه است؛ چرا که معمولاً، مال رشوه مالی چشمگیر است و سرانجام آن بسیار مهم است؛ بنابر این، پرداختن به این بحث دارای اهمیت بوده است. از طرفی بررسی آرای فقها در صور مختلف پرداخت رشوه، نیازمند تحلیل و بررسی بیشتر است.

پیشینه

از مهم‌ترین تحقیقات به عمل آمده در این زمینه، می‌توان به مقاله آقای سید احمد میرحسینی اشاره کرد. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «رشوه و حکم فقهی آن»^۱، به ماهیت رشوه پرداخته و رشوه هدیه‌ای را به عنوان یکی از مصادیق رشوه نام می‌برد و با بررسی ادله این باب، ضمن بررسی شمولیت و قلمروی رشوه، حکم تکلیفی و وضعی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»^۲ به قلم آقای محمد جعفر حبیب زاده به تحریر درآمده است. ایشان ضمن بررسی مسئله، از نقطه نظر کیفری و مجرمانه بودن رشوه به بحث عدم مالکیت رشوه‌گیر و رجوع رشوه دهنده، به مال رشوه‌ای می‌پردازد.

با توجه به آنچه که بیان گردید، پژوهش پیش روی اگر چه مال موضوع ارتشا را مورد بحث قرار داده و به بحث عدم ملکیت در رشوه می‌پردازد، ولی مسئله اصلی آن، بررسی ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه است. پژوهش حاضر در چهار بخش گردآوری شده است که در نخستین بخش به مفاهیم کلی بحث و در بخش دوم، ضمان رشوه بخششی و در سومین بخش ضمان رشوه محاباتی و در آخرین بخش به ضمان رشوه هدیه‌ای پرداخته می‌شود. ضمان در هر یک از این صورت‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، نتیجه‌گیری بحث ارائه می‌شود. این پژوهش تجمیعی از اقسام رشوه و تبیین حکم هر یک از نظر حرمت تکلیفی، صدق رشوه و ضمان است. تقسیم و تبیین انواع رشوه و گردآوری همه مباحث مال موضوع ارتشا، ارائه ضوابط جاری در هر قسم و اصطیاد ضوابط قانونی منطبق با حکم فقهی، از نوآوری‌های این پژوهش به‌شمار می‌آید.

مباحث

پژوهش‌های فقهی
باز پژوهشی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

۱. میرحسینی، «تحقیقی در رشوه و حکم فقهی آن»، پژوهش‌های فقهی، ش ۲.

۲. حبیب زاده، «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، مدرس علوم انسانی، ش ۱۷.

مفهوم شناسی

رشوه

«رشوه» از نظر لغت به معنای طنابی است که به وسیله آن به آب می‌رسند.^۱ در اصطلاح فقهی، «رشوه» عبارت است از دادن مال و چیزی شبیه آن به قاضی، برای ایجاد انگیزه برای صدور حکم؛ چه حکم به حق باشد و چه باطل.^۲ در تعریفی دیگر، «رشوه» به معنای دادن مال و چیزی شبیه آن به قاضی برای ایجاد انگیزه برای صدور رای است.^۳ تعریف اول را می‌توان صحیح‌تر دانست؛ بنابر این هر چیزی که به قصد خروج از حق و عدل برای دیگری فراهم آید، تا حق را باطل، و یا باطل را حق جلوه دهد، رشوه نام دارد و این مفهوم، هم شامل قاضی و هم کارمند می‌شود؛ زیرا روایاتی که دلالت بر حرمت رشوه دارند، مطلق هستند و حکم به حق و باطل را از هم جدا نکرده‌اند. همچنین بسیاری از فقها تعریف رشوه را به طور مطلق آورده‌اند، که شامل حکم به حق و باطل می‌شود، و این تعریف نیز رشوه را منحصر در قضاوت نمی‌داند؛^۴ چرا که رشوه مفهومی عرفی است و عرف تفاوتی بین حکم به حق یا باطل قائل نیست.^۵

رشوه اختصاص به بخشش مال به صورت مستقیم ندارد و می‌تواند در ضمن افراد دیگری همانند هبه و عقد محاباتی محقق شود.^۶ هر نوع معامله‌ای که نیت اصلی متعاقدین از آن معامله رشوه باشد، داخل در موضوع رشوه یا حداقل حکم رشوه است و به همین جهت هدیه و بیع محاباتی به قصد رشوه، موضوع رشوه یا در حکم آن می‌باشند.^۷ هدیه

مباحثات
پژوهش‌های فقهی

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۸، ص ۸۲.
۲. قمی، رسائل المیرزا القمی، ج ۲، ص ۶۱۸؛ اردبیلی، فقه القضاء، ج ۱، ص ۴۲۱؛ آشتیانی، کتاب القضاء، ج ۱، ص ۱۳۲؛ انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۲۴۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۳۴.
۳. عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۳، ص ۴۲۱.
۴. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۶.
۵. آشتیانی، کتاب القضاء، ج ۱، ص ۱۳۲.
۶. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۷.
۷. یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۲.

مفهوم روشنی است که اگر به قصد رشوه داده شود، داخل در موضوع رشوه می‌باشد.^۱ بر اساس تعریف رشوه، معامله محاببات ممکن است واقعی، ولی با تخفیف زیاد باشد و به نیت رشوه به قاضی یا کارمند انجام پذیرد، که چنین معامله‌ای هم داخل در موضوع رشوه است. این نحوه معاملات که با تخفیف فراوان با رشوه‌گیر انجام می‌گیرد، اختصاص به بیع نداشته و شامل کلیه عقود ناقله است.^۲

ضمان

«ضمان» در لغت به معنای کفالت و غرامت کشیدن (پرداخت غرامت) آمده است.^۳ «ضمان» به این معناست که شخصی ملتزم شود که اگر کسی مالی را که بر ذمه دیگری دارد نپردازد، از عهده خسارت او برآید.^۴ در اصطلاح فقهی، «ضمان» عقدی است که نسبت به مال و جان انسان، تعهد ایجاد می‌کند. این معنا از ضمان به معنای تعهد است که ضمان به معنی اعم نامیده می‌شود و دربردارنده کفالت، حواله و ضمان به معنای خاص است. ضمان به معنی اخص، یعنی شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است بر عهده بگیرد^۵، که این همان ضمان مورد بحث در پژوهش حاضر است. فقها و به تبع ایشان حقوقدانان، مبحث ضمان را در بحث ضمان عقدی و قهری مورد مطالعه قرار داده‌اند.

ضمان عقدی و معاوضی که «مسئولیت قراردادی» نامگذاری می‌شود، ضمانی است که منشأ آن عقد و قرارداد بوده^۶ و ضمان قهری که نام دیگر آن مسئولیت مدنی است، قراردادی نبوده و حکم شارع به ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی می‌شود^۷ و مقبوض به عقد فاسد از اسباب این ضمان است.^۸

مباحث

پژوهش‌های فقهی

بازپژوهی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

۱. انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۹۱؛ خویی، مصباح الفقه، ج ۱، ص ۴۲۷.
۲. انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۹۲.
۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۵۷.
۴. حجتی اشرفی، مجموعه قوانین، ص ۱۶۸.
۵. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷.
۶. کاتوزیان، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۷۴.
۷. امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۳۶۱.
۸. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۲۳۸.

ضمانت رشوه‌گیر در تلف رشوه‌بخششی

رشوه، بخشش چیزی است به قصد جلب توجه و متمایل کردن گیرنده آن (قاضی یا کارمند) به منظور اینکه به نفع صاحب مال حکم کند و یا او را بر ظلم یا معصیت کمک کند.^۱ گیرنده، مالک مال رشوه نمی‌شود؛ چرا که این مال حرام و مورد نهی خداوند قرار گرفته و در حکم کفر به خدا است.^۲ در ادله چهارگانه قرآن^۳، سنت، عقل و اجماع، نفس این عمل مورد نهی قرار گرفته است^۴، که در نتیجه حرمت تکلیفی و سپس عدم جواز تصرف رشوه‌گیر در رشوه را در پی دارد. بر اساس این ادله، مال در ملک رشوه دهنده باقی بوده و اعاده آن به مالک اصلی واجب است.^۵ بین فقها در حکم این مسئله اختلافی وجود ندارد؛ بلکه می‌توان در آن ادعای اجماع نمود.^۶ اما در موردی که عین مال به سبب تلف یا اتلاف از بین رفته و تحویل آن ممکن نباشد، ضمان رشوه‌گیر نسبت به مثل یا قیمت آن، مورد اختلاف بوده و دو نظریه مطرح شده است:

دیدگاه نخست: ضمانت رشوه‌گیر

اکثر فقها بر این باورند که در رشوه‌بخششی، رشوه‌گیر در صورت تلف یا اتلاف مال، ضامن بدل آن است. در این صورت مالی که به رشوه‌گیر داده شده به عنوان عوض بوده تا در مقابل آن به نفع او حکم شود و در هنگام تلف مال، رشوه‌گیر ضامن مثل یا قیمت آن است.^۷ رشوه‌ای که به قاضی یا کارمند برای انجام کاری به نفع او داده می‌شود، معاوضه‌ای فاسد است. این معاوضه بین رشوه دهنده و رشوه‌گیر با عناوینی چون اجاره و یا جعاله، صورت

۱. نراقی، مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۲.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۶۲.

۳. سوره بقره، آیه ۲۷۵.

۴. اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۸، ص ۱۶۵؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۱۲؛ فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۳۸۱.

۵. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۷۸؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۱۴۰؛ همو، تلخیص المرام، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مامقانی، غایة الآمال، ج ۱، ص ۸۷.

۶. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۹؛ گلپایگانی، کتاب القضاء، ج ۱، ص ۲۴۰.

۷. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۷۰؛ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۹۲.

می‌پذیرد.^۱ هدف از معاوضه، انجام کار مورد توافق، توسط اجیر است و از این حیث تفاوتی بین معاوضه فاسد و صحیح وجود ندارد؛ اما این معاوضه مورد نهی شارع بوده و بطلان آن از ضروریات فقه اسلامی است. جهت تفاوت بین عقد و معاوضه صحیح با فاسد، در اثر عقد است. معاوضه فاسد اثری نداشته و گیرنده مال، مالک نبوده و باید عین آن یا بدل مثلی و یا قیمی آن را به مالک اصلی باز گرداند^۲؛ در نتیجه همان‌طور که در معاوضه صحیح (اجاره یا جعاله) ضمان وجود دارد، در معاوضه فاسد به استناد قاعده «کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» ضمان وجود دارد.^۳ معنای این قاعده به تفصیل خواهد آمد.

رشوه بخشی ماهیت معاوضی دارد که در صورت تلف مال رشوه بر اساس دیدگاه نخست، رشوه‌گیر ضامن مثل یا قیمت آن است. مبنای این دیدگاه مبتنی بر ضمان مقبوض به عقد فاسد است. بنابر این مطالعه و بررسی ادله و مبانی مقبوض به عقد فاسد و میزان دلالت آن در بحث پیش روی، ضروری به نظر می‌رسد.

دلیل اول: ضمان در رشوه، یکی از افراد ضمان مقبوض به عقد فاسد است. ضمان مقبوض به عقد فاسد از صغریات قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده و ما لایضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» می‌باشد.^۴ معنای قاعده این است که هر عقدی که صحیح آن موجب ضمان است، فاسد آن هم باعث ضمان خواهد بود؛ و هر عقدی که صحیح آن ضمان آور نباشد، فاسدش نیز ضمانی به دنبال نخواهد داشت. برای نمونه اگر بیعی فاسد باشد، موجب ضمان است؛ چون بیع صحیح موجب ضمان است. همچنین در عکس قاعده گفته می‌شود: هرگاه عقد صحیحی باعث ضمان نباشد، مانند هبه غیر معوضه، فاسد آن نیز باعث ضمان نخواهد بود.^۵

در صورت تلف شدن رشوه، به استناد قاعده مذکور و با توجه به ماهیت معاوضی

۱. کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۸.

۲. اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۰، ص ۴۹؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۴۳.

۳. بجنوردی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۱۰۳؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۲۱۱.

۴. عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۳۰۱؛ خوبی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۳۱؛ روحانی، فقه الصادق علیه السلام، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

۵. قزوینی، رساله في العدالة، ص ۱۸۱؛ بجنوردی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۱۰۴.

بخشش رشوه، می‌توان گیرنده را ضامن مثل یا قیمت دانست. بر فرض، اگر چنین معاوضه‌ای و جاهت شرعی داشت و نهی متوجه آن نشده بود، بر اساس قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» اجیر باید کار را انجام می‌داد و هر یک از دو طرف نسبت به مورد توافق ضامن بودند. از سوی دیگر چون این معاوضه فاسد است، به استناد قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» اجیر ضامن است.^۱ بنابر این بخشش رشوه، از افراد بارز این قاعده به حساب آمده و در صورت تلف مال رشوه دهنده، گیرنده ضامن مثل یا قیمت آن است. در نتیجه ضمانت رشوه‌گیر بر اساس ضمان مقبوض به عقد فاسد است. از مهم‌ترین مبانی ضمان مقبوض به عقد فاسد، قاعده ضمان ید است که در ادامه بررسی می‌شود.^۲

دلیل دوم: فقهای امامیه، مقبوض به عقد فاسد را از اسباب ضمان دانسته‌اند.^۳ مبانی اثبات این ضمان، روایت نبوی مشهور «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» است.^۴ برخی از فقها دلیل «علی الید» را تنها مبنا قاعده «مایضمن ولا یضمن» ذکر کرده‌اند.^۵ از سوی دیگر، برخی، به قاعده «احترام»، قاعده «لاضرر» و قاعده «اقدام» به عنوان دلیل این قاعده تمسک جسته‌اند.^۶

قاعده «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» عیناً متن حدیث شریف نبوی است، که اگرچه از لحاظ سند ضعیف و مرسل است، ولی ضعف آن به خاطر شهرت و عمل فقها جبران می‌شود.^۷

طبق این قاعده کسی که بر مال دیگری استیلا یافته، نسبت به آن ضامن است و مقتضای اولیة تصرف و یا استیلا بر مال دیگری - علاوه بر اینکه شخص، مکلف به بازگرداندن عین در زمان بقای آن می‌باشد (حکم تکلیفی بخشش رشوه) - این است که متصرف در صورت تلف یا ورود

۱. مراغی، العناوین الفقهیة، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۸؛ عاملی، مسالک الأفهام، ج ۴، ص ۳۸.

۳. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۲۳۸؛ عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

۴. ابی داوود، سنن، ج ۳، ص ۲۹۶؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۸۰۲؛ ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۵۶۶؛ بیهقی، سنن، ج ۶۰، ص ۹۵؛ طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۴۰۹؛ احسانی، عوالی الثالی، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۸.

۵. مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، ج ۲، ص ۲۱۷.

۶. بجنوردی، القواعد الفقهیة، ج ۲، ص ۲؛ محقق داماد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۱۹۷.

۷. نراقی، عوائد الایام، ص ۱۰۸؛ بحر العلوم، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۱؛ محمدی، قواعد فقه، ص ۹۱؛ لنکرانی، القواعد الفقهیة، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۱۱؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، ج ۲، ص ۲۱۱.

نقص، در مقابل مالک ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید (حکم وضعی بخشش رشوه).^۱ در نتیجه «علی الید ما اخذت حتی تؤدیه»، هر یدی را ضامن دانسته و از این حیث تفاوتی بین عقد صحیح و فاسد نیست و عمومیت آن شامل مقبوض به عقد فاسد شده و باید در صورت وجود مال، عین و در صورت تلف، بدل آن را به صاحبش رد کرد؛ چرا که در معامله فاسد، استیلا بر مال غیر، صادق بوده و ضمان نیز قطعی است.^۲

بر اساس آنچه که گفته شد در رشوه بخششی، قاعده ضمان ید جاری می‌شود. از عموم این قاعده، تنها ید امانی خارج شده است. در نتیجه رشوه بخششی که تسلط غیر مجانی است، از افراد این قاعده به حساب می‌آید و با توجه به عمومیت این قاعده، در صورت تلف یا اتلاف مال، رشوه گیرنده ضامن مثل یا قیمت آن است.

غالب فقها در ضمن بحث از مدارک این قاعده تنها به این حدیث نبوی معروف اکتفا کرده‌اند؛ ولی برخی دیگر از فقها^۳ برای این قاعده مدارک دیگری نیز نقل نموده‌اند که به استناد آنها می‌توان ضمان در رشوه را نیز اثبات نمود.

مستند قاعده ضمان ید، قبل از هر چیزی بنای عقلاست؛ زیرا با ملاحظه در زندگی و عمل اهل خرد چنین دریافت می‌شود که آنان، شخصی را که مال دیگری را تصرف می‌کند در مقابل مالک، مسئول عواقب امر می‌شناسند و اگر صاحب مال برای مطالبه خسارت به متصرف مراجعه نماید، این عمل را نکوهش نمی‌کنند. شرع مقدس نیز نه تنها این شیوه خردمندان را رد نکرده، بلکه به موجب نصوص واصله، آن را تأیید نموده است.^۴ مستند دیگر، سیره مستمره جاریه مسلمانان در تمامی اعصار است که حکایت از آن دارد که قاعده فوق در حقوق اسلامی همواره مورد پذیرش بوده است؛ لذا با توجه به اتصال این شیوه متعارف به مقاطع تاریخی حضور معصومین، می‌توان رضایت و امضای رهبران الهی را احراز نموده و آن را به عنوان یک قاعده فقهی مسلم در نظر گرفت.^۵

۱. لکنرانی، القواعد الفقهية، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۱۱؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۵۷.

۳. مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۲۳۱.

۴. خوبی، مصباح الفقاهة، ج ۳، ص ۲۵۹.

۵. طاهری، قواعد فقه، ج ۱، ص ۱۹۵.

دیدگاه دوم: نفی ضمانت رشوه‌گیر

دومین دیدگاه در ضمان مال موضوع ارتشا در بخشش رشوه این است که رشوه‌گیر در صورت تلف یا اتلاف مال، ضامن بدل نیست. صاحب جواهر اولین فقیهی است که این دیدگاه را بیان می‌دارد و فاضل نراقی نیز از پیروان این دیدگاه به شمار می‌رود. ایشان ضمان در تلف رشوه‌ای که با رضایت همراه است را محل اشکال می‌داند.^۱

صاحب جواهر بعد از نقل ادعای اجماع محصل و منقول در عدم ملیکت گیرنده، و لزوم بازگرداندن مال رشوه، دیدگاه خود را در مورد تلف مال رشوه چنین بیان می‌دارد: «قد يشکل الرجوع بها مع تلفها و علم الدافع بالحرمة باعتبار تسليطه»^۲. در حقیقت اشکال صاحب جواهر این است که در فرض مسأله، مالی که به قاضی یا کارمند داده شده، به عنوان عوض در مقابل حکم به نفع رشوه دهنده نبوده؛ بلکه در بخشش رشوه اساساً تسلیط مجانی صورت پذیرفته است. رشوه دهنده با علم به اینکه رشوه حرام بوده، مال خود را به رشوه‌گیر تسلیم کرده است، و این تسلیم چیزی جز تسلیط مجانی نیست. در نتیجه در صورت تلف مال، رشوه‌گیر ضامن مثل یا قیمت آن نیست؛ چرا که یکی از اسباب سقوط ضمان، تسلیط مالک است.

طبیعتاً از آنجایی که مالکیت منتقل نشده است، در صورت موجود بودن عین، گیرنده رشوه باید آن را به رشوه دهنده باز گرداند؛ ولی در صورت تلف شدن آن به سبب تسلیط مجانی او، ضمان رشوه‌گیر ساقط است.^۳ تسلیط مجانی موجب سقوط ضمان گیرنده می‌شود. تسلیم مال رشوه بدون عوض در این حالت، همانند این است که مشتری، بایع غاصب را به صورت مجانی بر ثمن معامله مسلط کرده باشد. مشهور در مسئله ضمان بایع غاصب، فتوا به عدم ضمان داده‌اند؛ در نتیجه می‌توان قائل شد که تفاوتی بین این دو مسئله نبوده و دیدگاه به ضمان رشوه‌گیر اساس درستی ندارد.^۴

ماهنامه
پژوهش‌های فقهی

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱. نراقی، مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۴.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۵۷.

۳. همان، ص ۱۴۹؛ نراقی، مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۴.

۴. جزائری، هدی الطالب، ج ۵، ص ۵۰۷.

همان طور که در مبانی اثبات ضمان مطرح گردید، ضمان تلف یا اتلاف مال رشوه مبتنی بر عموم «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» است.^۱ از تحت عمومیت این قاعده مواردی از قبیل ودیعه و غیره که به عنوان امانت دریافت می‌شوند، خارج می‌شود. این معاوضه از جانب شارع مقدس مورد نهی قرار گرفته و از این جهت باطل بوده و در نتیجه این مال تحت ملکیت رشوه دهنده است و به سبب اینکه رشوه‌گیر آن را به عنوان معاوضه دریافت کرده، باید عین آن را به مالک اصلی برگرداند.^۲ از آنجایی که بخشش رشوه دهنده در مقابل حکم بوده، این اعطا به عنوان معاوضه است^۳ و ضمن قاعده «ما یضمن بصحیحه، یضمن بفاسده» مطرح می‌شود.

دیدگاه دوم که قائل به عدم ضمان رشوه‌گیر است، مبتنی بر استدلالی است که در واقع دو اشکال اساسی بر نظریه قائلین به ضمان رشوه‌گیر دارد. بر این اساس، در صورت پاسخ به این دو اشکال، می‌توان نظریه ضمان رشوه‌گیر را پذیرفت. نخستین اشکال بر نظریه ضمان رشوه‌گیر در مال رشوه، این است که رشوه می‌تواند به عنوان معاوضه نباشد. هنگامی که عوض در رشوه، حکم قاضی یا کارمند نباشد و صرفاً جلب نظر او باشد، در این صورت رشوه به طور مجانی به او داده شده است؛ چرا که ایجاد انگیزه نمی‌تواند عوض معاوضه باشد؛ در نتیجه رشوه با این نحوه غرض، فقط دال بر اباحه مجانی است.^۴

اشکال مهم دیگر بر نظریه ضمان رشوه‌گیر در مال رشوه، آنکه رشوه دهنده به اتلاف مال توسط رشوه‌گیر رضایت دارد.^۵ علیرغم اینکه رشوه دهنده به حرمت این معامله علم داشته و یقین دارد که رشوه‌گیر مالک نمی‌شود، این مال را با رضایت در اختیار رشوه‌گیر قرار داده است. در نتیجه، این تسلیط مجانی و تسلیم مال رشوه بدون عوض، موجب سقوط ضمان گیرنده است.^۶

شیخ انصاری در پاسخ به اشکال اول می‌فرماید حقیقت رشوه، جعل بر باطل بوده و معاوضه است و عوض، ایجاد انگیزه در رشوه‌گیر نیست تا اعطای مجانی باشد؛ بلکه در

مباحث

پژوهش‌های قضایی

باز پژوهشی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

۱. بیهقی، سنن بیهقی، ج ۶۰، ص ۹۵؛ طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۴۰۹؛ طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۷، ص ۸۸.
۲. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة، ج ۱، ص ۳۱۳.
۳. یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۲.
۴. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة، ج ۱، ص ۳۱۳.
۵. نراقی، مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۴.
۶. یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۲.

عرف غالباً رشوه بخششی در برابر حکم قرار دارد.^۱

پاسخ به اشکال دوم این است که رشوه دهنده هیچ‌گاه بدون عوض، راضی به بخشش و در اختیار قرار دادن مال به گیرنده نیست. او با بخشش مال به رشوه‌گیر، عوضی را از آنها درخواست می‌کند که با ارزش‌تر از آن چیزی است که به عنوان رشوه داده است، تا با دادن رشوه و الزام آنها به حکم به باطل، به منافی بالاتر دست پیدا کند. بر فرض که رشوه دهنده رضایت بر تسلیط مجانی مال رشوه داشته باشد، این نحوه رضایت و جاهت شرعی ندارد. مقتضای سیره عقلا در مورد یدی که استیلای غیر مجانی بر مال دیگری پیدا کند نیز ضمان قطعی است، که مهم‌ترین دلیل ضمان مقبوض به عقد فاسد نیز همین سیره عقلایی قطعی است.^۲

ضمانت رشوه‌گیر در تلف رشوه محاباتی

یکی دیگر از مواردی که داخل در موضوع مال رشوه است، معامله محاباتی است. محابات به این معناست که مبیع، کمتر از قیمت متعارف عرفی معامله شود. برای نمونه رشوه دهنده برای فرار از رشوه بخششی، خانه‌ای را به یک پنجم قیمت واقعی به رشوه‌گیر فروخته که در مقابل به نفع او حکم کند؛ یا رشوه‌گیر، خانه‌ای را به پنج برابر قیمت متعارف به رشوه دهنده بفروشد.^۳

در معاملات محاباتی فقها غالباً برای ضمان و عدم ضمان رشوه‌گیر بحث را مبتنی بر صحت و عدم صحت این نحوه معاملات دانسته‌اند. برخی از فقها معاملات معاطات را در صورتی که قصد رشوه وجود داشته باشد، اساساً باطل می‌دانند. چرا که این نحوه معامله از مصادیق اکل مال به باطل است^۴ و ادله حرمت رشوه دال بر حرمت چنین معامله‌ای بوده و حکم وضعی آن بطلان و باقی ماندن مال در ملک رشوه دهنده است.^۵

در مقابل، برخی از فقها قائل به صحت این دست معاملات شده، و رشوه‌گیر را ضامن ندانسته‌اند. اگرچه این نحوه معامله از نظر حکم تکلیفی مورد نهی قرار گرفته و تحریم شده

۱. انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. عمید زنجانی، قواعد فقه: بخش حقوق خصوصی، ص ۶۴.

۳. انصاری، المکاسب، ج ۲، ص ۴۱۰.

۴. شیرازی، ایصال الطالب، ج ۲، ص ۲۲۹.

۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۳۱؛ مامقانی، غایة الآمال، ج ۱، ص ۸۷.

است؛ ولی این معامله از نظر حکم وضعی صحیح است. چرا که نهی در اینگونه معاملات به امری خارج از اصل معامله تعلق گرفته است. همچنین تفاوتی بین صحت معامله محاباتی به قصد رشوه و بین مسئله اعانت بر اثم وجود ندارد، همان‌گونه که فقهای همچون شیخ انصاری در بحث اعانت بر اثم (فروش انگور برای ساخت شراب) معتقدند که نهی، به امری خارج از معامله تعلق گرفته است. بنابر این آنچه که قدر مسلم است صورت رشوه بخششی است، نه موردی که در ضمن معامله‌ای مستقل انجام شود.^۱

برخی دیگر از فقها نیز تنها راه بطلان معامله محاباتی را صورتی دانسته‌اند که غرض رشوه دهند - که حکم کردن به باطل و ناحق است - به عنوان شرط ضمن عقد در نظر گرفته شود تا بر اساس آن، کسانی که شرط فاسد را مفسد عقد می‌دانند، حکم به بطلان معامله محاباتی نمایند.^۲ به باور نگارنده بر اساس چگونگی اراده معامله محاباتی و حالت‌های آن، می‌توان به نظریه‌ای تفصیلی قائل شد. با توجه به قصد متعاملین، معاملات محاباتی به سه حالت انجام می‌پذیرند. اولین حالت این است که این معامله فاقد هرگونه قصد است، و هدف از معامله چیزی جز تخفیف به قاضی و کارمند نمی‌باشد. این نحوه از معامله محاباتی به دلیل فقدان قصد^۳، از مصادیق بارز رشوه بوده و ادله بطلان رشوه شامل آن شده و حکم به ضمان می‌شود.^۴

حالت دوم این است که قصد معامله وجود دارد، ولی اصل معامله برای محابات نیست. به عبارت دیگر این نحوه معامله همانند شرط خارج از عقد است که هر یک از متعاملین بدون تصریح به آن، بر آن توافق کرده‌اند.^۵ این‌گونه موارد، ملحق به شرط فاسد ضمن عقد می‌شود، و از این جهت که عقد، فاسد است حکم به ضمان می‌گردد. اما اگر در این بحث، مبنای مشهور معیار قرار گیرد که شرط فاسد، مفسد عقد نیست، بنابر این معامله محاباتی صحیح بوده و ضمانی در کار نیست.^۶

مباحثات

پژوهش‌های قضایی

باز پژوهی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

۱. یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۳؛ اردبیلی، فقه القضاء، ج ۱، ص ۴۲۱.
۲. خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۳۲؛ روحانی، فقه الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۳۶۵.
۳. شیرازی، تعلیقة علی مباحث البیع، ص ۷۵.
۴. مامقانی، غایة الآمال، ج ۱، ص ۸۷.
۵. ایروانی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۷.
۶. خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۳۲؛ شیرازی، تعلیقة علی مباحث البیع، ص ۷۵؛ ایروانی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۷.

در سومین حالت از معاملات محاباتی نیز همانند قسم قبل قصد معامله وجود دارد؛ ولی قصد معامله محاباتی با این هدف و انگیزه است که رشوه‌گیر در آینده برای رشوه دهنده کاری انجام دهد. به دیگر سخن این نحوه از معامله محاباتی عوض نبوده و صرفاً ایجاد انگیزه در رشوه‌گیر است. این مورد ملحق به هبة مجانی است و چنان که گذشت، ضمانتی در پی ندارد.^۱

ضمانت رشوه‌گیر در تلف رشوه هديه‌ای

رشوه هديه‌ای، نحوه‌ای از هديه دادن به نیت سازش و تبانی به حاجت رسیدن است که به آن «هدیه مصانعی» گفته می‌شود.^۲ این نوع هديه مشتمل بر قصد حرام بوده و مورد نهی شارع قرار گرفته است. علاوه بر اجماع^۳، روایاتی که در نهی هديه، آن را متصف به خیانت و ناراستی و حرام می‌کند، همگی ناظر به این نحوه هدایاست.^۴ این نوع هديه در واقع نوعی رشوه است و بر اساس نظر مشهور فقها رد عین آن مال، بر گیرنده واجب است.^۵

باید دانست بر خلاف رشوه بخششی که مال در مقابل حکم کردن عوض قرار می‌گیرد، رشوه دهنده هديه را وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه در رشوه‌گیر قرار می‌دهد که در این صورت او ضامن نخواهد بود.^۶ زیرا انگیزه ایجاد محبت، نمی‌تواند عوض قرار بگیرد^۷ و بر اساس قاعده ضمان^۸، وقتی رشوه به صورت هديه انجام گرفته، اعطای این مال چیزی جز تسلط مجانی نبوده، و این تسلیط مجانی در مقابل انجام کاری صورت پذیرفته، و در نتیجه هبة فاسد است.^۹ از آنجایی که در هبه و هديه صحیح، ضمانتی وجود ندارد، در فاسد آن نیز

۱. عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۳، ص ۴۱۳؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۷؛ لاری، التعلیقه علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۵۲۲.
۳. کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۵؛ عاملی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۱۳۶.
۴. هندی، کنز العمال، ج ۱۸، ص ۱۶۳؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۶۳؛ لنکرانی، القواعد الفقهیة، ص ۳۲.
۵. عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۹؛ مامقانی، غایة الآمال، ج ۱، ص ۸۷.
۶. شهیدی، هدایة الطالب، ج ۱، ص ۵۴.
۷. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة، ص ۳۱۳.
۸. انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۲۲۹.
۹. خوبی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۲۳؛ مامقانی، غایة الآمال، ج ۱، ص ۸۶.

ضمان وجود نخواهد داشت. در نتیجه هبه‌ای که مورد نهی قرار گرفته، اگر چه به موجب حرمتی که بر آن مترتب است فاسد بوده؛ اما این موجب ضمان نیست و در صورت تلف، بر گیرنده آن، رد مثل یا قیمت واجب نمی‌باشد.^۱

وضعیت حقوقی ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه

از لحاظ حقوقی معنای رشوه، اخذ مال یا سند تسلیم وجه یا مال، به مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و یا سایر افراد مذکور در قانون، برای انجام یا ترک وظایف سازمان محل اشتغال آنها است.^۲ در قانون مدنی به طور مستقیم به تعریف رشوه اشاره نشده است و به سبب شیوع و گسترده‌گی آن، قانون‌گذار در ماده ۳ قانون، تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، آن را جرم انگاری کرده و از جرائم غیر قابل گذشت شمرده است:^۳ «هر یک از مستخدمان و مأموران دولتی، برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول کند، در حکم مرتشی (رشوه‌گیر) است».

نظام حقوقی ایران، رشوه را همچون نظام حقوقی اسلام از اموال نامشروع دانسته است. قانون‌گذار رشوه را در ماده ۱۹۰ قانون مدنی بر اساس انگیزه نامشروع و عدم مشروعیت جهت معامله، باطل اعلام کرده است. اگرچه این قاعده صراحتاً در حقوق مدنی آورده نشده است، ولی از آنجا که شالوده حقوق مدنی ایران بر اساس فقه اسلامی بنیان نهاده شده، مبنای بسیاری از مواد قانون مدنی، حرمت اکل مال به باطل، و منع دارا شدن بدون سبب است.^۴ ارکان دارا شدن بدون سبب در حقوق موضوعه، از قاعده اکل مال به باطل با عنوان دارا شدن غیر عادلانه، دارا شدن بدون سبب و استفاده بدون جهت یاد می‌کنند.^۵

نظام حقوقی ایران رشوه را به عنوان یکی از مصادیق قاعده اکل مال به باطل می‌شمارد. در

۱. همان، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. میرمحمد صادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۳۶۳.

۳. نورزاد، رشوه در حقوق کیفری اسلام و ایران، ص ۱۳۲.

۴. امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۳۵۳.

۵. گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۱۵۳.

اصل ۴۹ قانون اساسی چنین آمده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه ... و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند». همچنین قانون‌گذار در اصل ۴۷ قانون اساسی تنها راه مالکیت را دارا شدن از طرق معتبر و قانونی دانسته است: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند». از مصادیق دیگر این قاعده، ماده ۳۶ قانون مدنی در توضیح تصرف معتبر است: «تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده، معتبر نخواهد بود». این ماده اشعار دارد که تصرفات بدون سبب، از مصادیق اکل مال به باطل است، و در نزد قانون‌گذار صرفاً تصرفات قانونی و مشروع، محترم شمرده می‌شود. نمونه دیگر در مورد رد مالی که بدون استحقاق گرفته شده است، ماده ۳۰۱ قانون مدنی است: «کسی که عمداً یا اشتهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند». قانون‌گذار در صورت تلف مال رشوه‌ای، رشوه‌گیر را ضامن می‌داند. ماده ۳۰۳ قانون مدنی در بیان ضامن دانستن رشوه‌گیر در مال تلف شده چنین بیان می‌دارد: «کسی که مالی را من غیر حق، دریافت کرده است، ضامن عین و منافع آن است؛ اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل». به موجب این ماده کسی که بدون جهت و غیر قانونی مالی را دریافت کند، ملزم به رد آن است، خواه عالم یا جاهل باشد. از این حیث که رشوه‌گیر آن مال را بدون جهت قانونی دریافت کرده، از مصادیق اکل مال باطل به شمار می‌رود و در صورت تلف، باید مثل یا قیمتش را به صاحبش بازگرداند.

رشوه در تمام مصادیق آن، به صورت بخشش وجه نقد و یا سند صورت نمی‌پذیرد. پرداخت رشوه می‌تواند در قالب‌های دیگری همچون هدیه و بیع محاباتی صورت پذیرد.^۱ اگر این معامله محاباتی به صورت صوری و با انگیزه رشوه انجام پذیرد، به دلیل نامشروع بودن جهت معامله، باطل بوده و از مصادیق دارا شدن بدون سبب است و در صورت تلف توسط رشوه‌گیر، او ضامن مثل یا قیمت مال خواهد بود. معامله محاباتی از این حیث که کاملاً صوری و با انگیزه قاطع رشوه دادن انجام می‌پذیرد ملحق به رشوه می‌شود.^۲ این حکم

۱. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۲۰.

۲. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۲۴۰.

از ماده ۲۱۸ که در مورد بطلان معامله صوری با قصد فرار از دین به دست می‌آید: «هر گاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است». از این ماده چنین اشعار می‌شود که صرف صوری بودن معامله باعث بطلان آن می‌شود و فرار از دین به عنوان انگیزه مطرح شده است، و در صورت تلف مال، از باب ضمان مقبوض به عقد فاسد خواهد بود. اگر معامله محاباتی صوری نبوده و معلوم شود که شرط نامشروع انگیزه قاطع و جهت عقد نیست، در این صورت معامله محاباتی عقدی مستقل است و در صورت تلف مال، رشوه‌گیر ضامن نیست.^۱

در صورت تلف شدن مال رشوه‌ای که به صورت هدیه انجام گرفته، رجوع در مواردی ممکن است که مال موجود باشد که در این صورت رشوه‌گیر مال را به رشوه دهنده استرداد می‌نماید. ماده ۸۰۳ قانون مدنی چنین بیان می‌کند: «بعد از قبض، نیز واهب می‌تواند با بقای عین موهوبه از هبه رجوع کند...». از آنجایی که هبه عقدی جایز است و با توجه به مفهوم مخالف نص این ماده، می‌توان گفت که با تلف عین موهوبه، رجوع ممکن نبوده و رشوه‌گیر ضامن نخواهد بود.^۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی هر یک از صورت‌های رشوه، نتایج زیر بدست می‌آید:

۱. در بخشش رشوه اگر رد عین به جهت تلف یا اتلاف رشوه دهنده، متعذر شود در مورد ضمان بدل، حکم ضمان است؛ در نتیجه رشوه‌گیر ضامن مثل یا قیمت مال رشوه است. رشوه بخششی از این جهت که معاوضه‌ای فاسد است و گیرنده به واسطه چنین عقدی بر مال سلطه پیدا کرده، از صغریات بحث قاعده «ما یضمن» به شمار می‌آید. رشوه‌گیر نسبت به تلف مال ضامن است و علم رشوه دهنده و جهل رشوه‌گیر نیز تأثیری در حکم به ضمان ندارد. این مطلب مورد تأیید قانون‌گذار بوده و در ماده ۳۰۳ قانون مدنی، در صورت تلف مال رشوه‌ای، رشوه‌گیر را اعم از اینکه عالم یا جاهل باشد، ضامن می‌دانند.
۲. بر اساس چگونگی اراده معامله محاباتی، باید تفصیل داد؛ اگر این نحوه معامله فاقد

مباحثات
پژوهش‌های قضایی

باز پژوهشی «ضمان رشوه‌گیر در تلف مال موضوع رشوه»

۱. همان.

۲. کاتوزیان، عقود معین، ج ۳، ص ۳۷.

هرگونه قصد باشد، از مصادیق بارز رشوه بوده و ضمان دارد و قانون‌گذار نیز این نظر را تأیید می‌کند. اگر قصد معامله وجود دارد، ولی اصل معامله برای محاببات نبوده، چنین معامله‌ای مانند شرط خارج از عقد به حساب می‌آید و حکم آن ملحق به پذیرش مبنا در شرط فاسد ضمن عقد است که آیا موجب فساد اصل عقد می‌گردد یا خیر؟ در این مورد بر اساس مبنای مشهور حکم به ضمان می‌شود و قانون‌گذار نیز این نظر را پذیرفته است. در آخرین حالت از معاملات محاباتی نیز همانند حالت قبل، قصد معامله وجود دارد؛ ولی قصد معامله محاباتی صرفاً ایجاد انگیزه در قاضی و کارمند بوده و ملحق به هبه مجانی است.

۳. هبه یا هدیه‌ای که به قصد حکم به نفع رشوه دهنده به قاضی یا کارمند دولت داده می‌شود، از افراد رشوه به حساب آمده و در صورت تلف عین، هدیه گیرنده نسبت به رد بدل آن ضامن نیست. لازم است دقت شود که اصل اعطای مال به صورت مجانی بوده است و همان‌طور که در هدیه صحیح، ضمان نیست، بر هدیه فاسد نیز ضمان وجود ندارد. قانون‌گذار نیز در ماده ۸۰۳ قانون مدنی این نظر را تأیید می‌کند.

منابع و مآخذ

- * قرآن کریم.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث*، قم: موسسه اسماعیلیان، چ ۴، ۱۳۶۴ ش.
 ۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
 ۴. ابی داوود، سلیمان بن اشعث، سنن، بیروت: دار الجنان، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
 ۵. احسانی، محمد، *عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: سید الشهدا علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
 ۶. اردبیلی، احمد، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۳ ق.
 ۷. اردبیلی، عبد الکریم، *فقه القضاء*، قم: جامعه المفید، مؤسسه النشر، چ ۱، ۱۳۸۱ ش.
 ۸. امامی، حسن، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی، چ ۲۹، ۱۳۸۹.
 ۹. انصاری دزفولی، مرتضی، *کتاب المکاسب (المحشی)*، قم: دار الکتاب، چ ۳، ۱۴۱۰ ق.
 ۱۰. _____، *کتاب المکاسب*، قم: موسسه اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۱. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی، *حاشیه المکاسب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۶ ق.

۱۲. آشتیانی، محمدحسن، کتاب القضاء، قم: زهیر، چ ۱، ۱۴۲۵ق.
۱۳. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی، چ ۱، ۱۳۷۷ش.
۱۴. بحر العلوم، محمد بن محمدتقی، بلغة الفقيه، تهران: مكتبة الصادق عليه السلام، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، سنن، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۱۶. ترمذی، محمد بن محمد بن عیسی، سنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۷. جزایری، محمدجعفر، هدی الطالب إلى شرح المكاسب، [بی جا]: طلیعة النور، ۱۴۱۶ق.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چ ۱، ۱۳۹۴ش.
۱۹. حبیبزاده، محمدجعفر، «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، مدرس علوم انسانی، ش ۱۷، تهران، ۱۳۷۹ش.
۲۰. حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه قوانین، تهران: گنج دانش، چ ۴، ۱۳۹۰ش.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: آل بیت عليهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حسینی شیرازی، محمد، ایصال الطالب إلى المكاسب، تهران: منشورات اعلمی، چ ۱، [بی تا].
۲۳. حلی، علامه، حسن بن یوسف، ارشاد الأذهان، قم: جامعة المدرسين، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۴. _____، تلخیص المرام في معرفة الأحكام، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، [بی تا].
۲۵. حلی، محقق، جعفر، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، تهران: انتشارات استقلال، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۲۶. خوبی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، تقرير محمدعلی توحیدی، قم: مكتبة الداوری، چ ۱، ۱۳۷۷ق.
۲۷. روحانی، محمدصادق، فقه الصادق عليه السلام، قم: دار الكتاب، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۹. سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحكام في بيان حلال و الحرام، قم: دار التفسیر، چ ۱، ۱۳۸۸ق.
۳۰. سیوری، فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، كنز العرفان في فقه القرآن، تهران: مرتضوی، چ ۱، ۱۳۷۳ش.
۳۱. شهیدی، تبریزی، میرزا فتاح، هداية الطالب الى أسرار المكاسب، تبریز: چاپخانه اطلاعات، چ ۱، ۱۳۷۵ش.
۳۲. شیرازی، محمدتقی، تعلیقة علی مباحث الیبع، تهران: مطبعة آقا سیدمرتضی، چ ۱، ۱۳۳۳ق.
۳۳. طاهری، حبیب الله، قواعد فقه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۷ش.
۳۴. طباطبائی، علی، ریاض المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۲ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: احیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۳۷۹ش.
۳۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، [بی جا]: المرتضویة، چ ۱، ۱۳۶۲ش.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۵ق.

۳۸. عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
۳۹. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه: بخش حقوق خصوصی، تهران: انتشارات سمت، چ ۵، ۱۳۹۳ش.
۴۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، قم: مهر، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۴۱. قزوینی، علی، رساله فی العدالة، تصحیح علی موسوی، قم: النشر الاسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۴۲. قمی، ابوالقاسم، رسائل المیرزا القمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۷ق.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۵، ۱۴۰۰ش.
۴۴. _____، قواعد عمومی قراردادها، تهران: گنج دانش، چ ۴، ۱۳۹۹ش.
۴۵. کرکی، محقق ثانی، علی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۴۶. گلبایگانی، محمدرضا، کتاب القضاء، قم: دارالقرآن کریم، چ ۱، ۱۴۰۱ق.
۴۷. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۲، ۱۳۸۵ش.
۴۸. لاری، عبدالحسین، التعليقة على المكاسب، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۴۹. مامقانی، محمدحسن، غاية الآمال فی شرح کتاب المكاسب، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، چ ۱، ۱۳۱۶ش.
۵۰. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران: سمت، چ ۱، ۱۳۷۴ش.
۵۱. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران: دادگستر، چ ۹، ۱۳۸۵ش.
۵۲. مراغی، عبدالفتاح بن علی، العناوين الفقهية، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهية، قم: مدرسة الامام اميرالمومنين علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۲ق.
۵۴. میرحسینی، احمد، «تحقیقی در رشوه و حکم فقهی آن»، پژوهش‌های فقهی، ش ۲، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ش.
۵۵. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر میزان، چ ۴۰، ۱۳۹۹ش.
۵۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دار الکتب الإسلامية، چ ۹، ۱۴۰۴ق.
۵۷. نراقی، ملا احمد، مستند الشیعة، قم: مکتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۵۸. نراقی، ملا محمد، عوائد الايام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۳۱۷ق.
۵۹. نورزاد، عیوض، رشوه در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران: نشر آریان، چ ۱، ۱۳۸۳ش.
۶۰. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چ ۱، ۱۴۰۸ق.
۶۱. هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، چ ۱، ۱۴۰۵ق.
۶۲. یزدی، محمدکاظم، تکملة العروة الوثقی، تهران: حیدری، چ ۱، ۱۳۷۸ش.